

## واژه‌شناسی مفهوم زیبایی در قرآن<sup>۱</sup>

داریوش فرددهکردی<sup>۲</sup>

زهرا سادات مرتضوی نیا<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

### چکیده

تعریف زیبایی و تبیین ابعاد مفهومی آن از مسائلی فلسفی پیچیده، به ویژه در فلسفه هنر است. معنای زیبایی در ادوار و فرهنگ‌های مختلف، بسیار متنوع بوده است. برای شناخت این مفهوم و انواع آن در اندیشه، فرهنگ و هنر اسلامی، اصلی‌ترین مرجع، نص قرآن کریم است. با شناخت دایره لغات مرتبط با زیبایی در قرآن و نیز روایات اسلامی این شناخت حاصل می‌شود. پژوهش حاضر با جست‌وجو در آیات قرآنی و روایات معتبر که به مفهوم زیبایی و مراتب آن می‌پردازند، به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: مصادیق زیبایی از منظر قرآن چیست؟ انواع زیبایی و مصادیق آن در قرآن کدام است؟ دایره لغات قرآنی مرتبط با مفهوم زیبایی، بیشتر معطوف به کدام وجوه زیبایی است؟ مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر واژه‌شناسی قرآنی، امر زیبا، مفهوم زیبایی، کارکردها و جنبه‌های آن را بررسی می‌کند؛ زیرا قرآن کریم، بزرگترین معجزه مکتوب و احسن الحدیث است و خود از لحاظ ساختار، آهنگ کلام و معنا از زیباترین و شیواترین کلام‌ها به شمار می‌آید. بر مبنای آیات قرآن، انسان جسم و روحی دارد که هر یک به ترتیب وابسته جهان محسوس و عالم نامحسوس است. بر آن اساس زیبایی هم با توجه به دو ساحت جسم و روح، سنجیده می‌شود، پس، مفهوم زیبایی نیز مراتبی می‌یابد. پژوهش نشان می‌دهد حدود هجده واژه اصلی مانند جمال، حُسن، زخرف، حُبُک و... در بیش از سیصد آیه با مفاهیم متعدد و متکثر آمده است که به دو ساحت وجودی انسان بازمی‌گردند.

واژه‌های کلیدی: مفاهیم قرآنی، زیبایی‌شناسی، مراتب زیبایی، حُسن، جمال.

روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است و ماهیت اطلاعات به دست آمده، کیفی است. تحلیل‌ها نیز از نوع کیفی است. نرم‌افزارهای قرآنی در بررسی و دسته‌بندی لغات مرتبط با زیبایی و شکل دهی گروه‌های تحلیلی به کار آمده است.

### پیشینه پژوهش

در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی، نخستین و اصیل‌ترین منبعی که به مسئله زیبایی می‌پردازد قرآن کریم است. از نخستین دوره‌ها، زبان قرآن کریم، همواره مدنظر بوده و برجستگی‌ها، جلوه‌های هنری و ابعاد مختلف زیبایی‌های آن، در سخنان پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع)، صحابه، تابعین و عالمان اسلامی مطرح شده است (شریفی و رضازاده جودی، ۱۳۹۴: ۷۹). همین توجه در طول تمدن اسلامی نزد دیگر متفکران نیز دیده می‌شود. کریمیان می‌نویسد: با آنکه برخی باور دارند، مسلمانان همواره به مباحث اعتقادی توجه داشته و از بحث درباره مبانی زیبایی و هنرچندان استقبال نکرده‌اند، امری خلاف واقع است. «بزرگانی چون فارابی، ابن سینا و ابن رشد پس از کشف و آشنایی با کتاب فن شعر ارسطو، آن هم فقط در همین حوزه هنر، به تقلید و البته تحریف مباحث نظری ارسطو پرداختند، پنداری واهی و به دور از انصاف و نشانه ناآگاهی از محتوای آثار و عدم اشراف بر همه آثار این بزرگان است.» (کریمیان صیقلانی، ۱۳۸۷: ۲۷) برای نمونه در کیمیای سعادت امام محمد غزالی، تلاش برای بیان مبانی زیبایی موجودات با تکیه بر مبانی زیبایی‌شناسی دینی دیده می‌شود (همان).

پیرو همان سنت و تکیه اهل اسلام به کلام وحی و روایات اسلامی، تکاپو در شناخت و تعریف مفاهیم گوناگون از جمله زیبایی بر اساس متن قرآنی همچنان ادامه دارد. پژوهشگران در حوزه‌های اسلام‌شناسی، قرآن‌پژوهشی و هنرهای اسلامی با مذاقه در کلام الهی، پژوهش‌های شایان توجهی را انجام داده‌اند. از مهم‌ترین کتاب‌ها می‌توان به زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، نوشته علامه محمد تقی جعفری (۱۳۸۱) و کتاب هنر و زیبایی از منظر دین به قلم آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۷۵) اشاره کرد.

از میان پژوهش‌ها و مقالات دانشگاهی نیز این نمونه‌ها را می‌توان نام برد: «مفاهیم زیبایی‌شناختی در قرآن» (خرقانی، ۱۳۸۷)، «زیبایی‌شناسی کلام و حیاتی قرآن کریم» (موسوی لرو یا قوتی، ۱۳۹۳) و «تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر آرای سید قطب» (موسوی لرو یا قوتی،

تعاریف بسیاری از زیبایی در حوزه زیبایی‌شناسی مطرح شده است که هر کدام سطحی از هستی‌شناسی را بررسی کرده است که این تعاریف گاه همسو با هم و گاهی کاملاً بی‌ارتباط و حتی مخالف همدیگر بوده‌اند. قرآن در بسیاری از آیات خود، مردم را به تفکر و تأمل در کیفیت خلقت فرامی‌خواند. از جمله معرفت جمال، در قرآن تأکید شده است. انسان در ارتباط چهارگانه خود با خویشتن، هموعان، خداوند و جهان اطرافش فطرتاً همواره به دنبال زیبایی بوده است، زیرا انسان ذاتاً جوایی حقیقت و کمال است و با تأمل و تفکر در کتاب آسمانی قرآن کریم و با تماس و برقراری ارتباط با زیبایی‌ها به این حقیقت پی می‌برد که خالق توانا، یک خلق‌کننده صرف نیست و مخلوقات و کائنات بدون هدف در حال حرکت، رشد یا توقف نیستند و انسان‌ها نیز در جزو و مد آن کائنات، معرفت‌ها و آگاهی‌هایی برای حیات طبیعی محض خود به دست آورده‌اند و استعداد‌های متنوع خود را با مشتی خیال و پندار، راکد و متوقف نکرده‌اند.

درباره زیبایی از منظر قرآن کریم باید گفت: کتاب آسمانی با فطرت پاک انسان رابطه تنگاتنگی دارد و همیشه و در هر زمان راهگشای انسان به سوی حقیقت و کمال است و محدود به هیچ زمان و مکانی نیست؛ از همین رو برای درک صحیح و اصیل از زیبایی به ویژه در حوزه اندیشه اسلامی در ابتدا لازم است در منبع عمیق، جامع‌نگر و استوار قرآن تعمق کرد. برای دستیابی به چستی و شاخص‌های زیبایی و اینکه زیبایی امری ذاتی است یا می‌تواند اکتسابی باشد یا زیبایی مادی است یا معنوی، به آیاتی از قرآن کریم که از الفاظی با معانی «زیبایی» در سطوح مختلف مرتبط هستند با رویکردی واژه‌شناختی، رجوع شد. البته در ابتدا زیبایی و زیبایی‌شناسی از دیدگاه فلاسفه و دانشمندان در حوزه تخصصی هنر و زیبایی و ارتباط بین هنر، زیبایی و نگاه قرآن تبیین و در ادامه به هدف اصلی تحقیق که «واژه‌شناسی مفهوم زیبایی در قرآن» است، به طور تخصصی بیان شد.

### روش تحقیق

تحقیق پیش رو، پژوهشی بنیادین است و در راستای شناخت بهتر زیبایی در اندیشه اسلامی با اتکا به کلام وحی و روایات معتبر اسلامی پیش می‌رود. روش تحقیق به شیوه توصیفی تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به

۱۳۹۴) «منظومه مفهوم زیبایی شناسی در پرتو آیات قرآن کریم» (شریفی و رضا زاده جودی، ۱۳۹۴)، «مراتب زیبایی، تصدیق و تحسین زیبایی برگرفته از مفهوم حسن در قرآن» (مظفر و همکاران، ۱۳۹۶)، «مفهوم زیبایی و مبانی زیبایی شناسی در قرآن» (بلخاری، ۱۳۹۶ ب) و نیز رساله دکتری اشرف باقری پور (۱۳۹۷) با عنوان مبانی و اصول هنر و زیبایی در قرآن و سیره رضوی و کاربرد آن در هدایت انسان.

### زیبایی از منظر بزرگان اسلامی

از دیرباز زیبایی، موضوعی اساسی در حکمت هنر و اندیشه اسلامی بوده است، زیرا درک زیبایی های موجود در این عالم که جلوه ای از ذات حق است، به درک عظمت خلقت و زیبایی دستگاه آفرینش ختم می شود که شکلی از هستی شناسی است. فارابی از نخستین فیلسوفان جهان اسلام در باب ششم کتاب آرای مدینه فاضله با عنوان «القول فی عظمت و جلاله و مجده تعالی» به بحث و بررسی عظمت، مجد و جلال حق پرداخته و دقیقاً در همین باب است که تأملات نظری خود را در تعریف جمال، بها و زینت ارائه می دهد (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۶۴). از دیدگاه فارابی این گونه است که انسان هر چه بیشتر و بهتر صفات الهی را در خود داشته باشد که هدف غایی و کمال مطلق است از زیبایی بیشتری برخوردار است.

ابن سینا نیز زیبایی را مقوم با حضور نظم، تألیف و اعتدال می داند. این اعتدال نتیجه حصول تناسب و هارمونی است. اخوان الصفا زیبایی را ذوقی طبیعی می دانست که حواس را طالب اصوات و ترکیبات موزون می کند. آنان معتقد بودند زیبایی موجودات طبیعی از نظم اجزای و ترکیب آنها حاصل می شود. ابو حیان توحیدی در الهوامل و الشوامل زیبایی را به زیبایی مادی و مطلق تقسیم می کند. زیبایی مادی را اعتدال و تناسب میان اجزای تشکیل دهنده اندام ها و زیبایی مطلق را امری فیضان یافته از حضرت حق می داند (بلخاری، ۱۳۸۷: ۴۷). در واقع فیلسوفان اسلامی حقیقت و منشأ زیبایی را در زیبایی مطلق یعنی خالق یکتا می دانند.

### مفهوم زیبایی و زیبایی شناسی از منظر قرآن کریم

قرآن کریم کتابی است برای هدایت بشر تا با تعمق در آیات آسمانی به حقایق عالم دست یابد. خداوند می فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ (نحل: ۸)؛ و بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است» با تفحص در آیات قرآن درمی یابیم که از زیبایی های جهان در این کتاب

مقدس یاد شده است. زیبایی هایی که اندیشیدن در آنها از توصیه های دینی است. قرآن به طور مستقیم به مفهوم زیبایی اشاره نکرده، بلکه در معانی مختلف و جایگاه های متفاوتی از زیبایی سخن گفته است. واژگان متفاوتی که در آیات برای بیان زیبایی آمده است در معنای نیکویی و نیز تجلیات زیبایی در تمام امور زندگی دنیوی و اخروی بشر است. در کنار مفاهیم و مراتب معنایی زیبایی، قرآن کریم، خود نیز برای مؤمن مسلمان، هم از جهت شیوایی کلام و هم از جهت معجزه گری اش، مظهر زیبایی است. «قرآن کریم یکی از جهات آیت بودنش، زیبایی است و یکی از بزرگترین عوامل جهانی کردن قرآن عامل زیبایی، فصاحت و بلاغت فوق العاده آن است» (مطهری، ۱۳۶۹: ۵۳).

«در عالم قرآن، آنچه به تجلی می رسد عین حقیقت است و آنچه تحقق می یابد عین واقعیت. پس واقعیت همان تجلی تکوینی حقیقت است. در عالم ذهن نیز واقعیت به مثابه معلوم و تصویر خیالی به حقیقت متجلی در واقعیت رجوع می کند. از اینجا، عالم واقع قرآنی صرف علم ارض نیست. ارض و سما و ورای دایره آسمان و زمین در عالم واقع می گنجد یا متمثل می شود» (مددپور، ۱۳۸۸: ۳۱۶). لغات و تعبیر قرآنی نیز به کل عالم هستی نگاه دارد و محدود به عالم مادی و جهان محسوسات نمی شود. این لغات و اصطلاحات، بسیار متنوع است: حُسن، زینت، زیور و جمال که در این میان حُسن با ۱۸۹ بار تکرار در کلام الهی، مشهورترین و پرکاربردترین اصطلاح زیبایی شناسی در قرآن است (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۱۸۳).

استاد علامه محمد تقی جعفری، لغات و تعبیر زیبایی های قرآنی را در چهار دسته معرفی می کند:

۱. زیبایی محسوس: زیبایی هایی که با حواس پنج گانه انسان درک می شوند و شامل همه پدیده های مادی و محسوس هستی مانند آسمان، دشت و دریاهاست؛
۲. زیبایی غیر محسوس: زیبایی هایی که با قوه فاهمه انسان درک می شوند؛ مانند زیبایی آزادی، دوستی، عشق؛
۳. زیبایی معقول: قوه عاقلانه انسان، مدرک این گونه زیبایی هاست. اندیشه ها، باورها، رفتارهای انسانی و ایمانی، حکمت، شجاعت و عدالت و دیگر وارستگی های روح نمونه ای از زیبایی معقول هستند؛
۴. زیبایی مطلق: این نوع زیبایی از آن حقیقت متعالی هستی است.

این تقسیم بندی در زیبایی را بعضی از زیباشناسان مغرب زمین نمی پذیرند و زیبایی را در همان قسم اول که

محسوس و به وجود آورنده انبساط لذت بار حسی در همه مردم است منحصر می‌کنند (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۶۲). روایات بسیاری هم وجود دارد مبنی بر زیبایی صورت و محسوس که توجه به زیبایی ظاهر، ما را به زیبایی معنوی و معقول و ارزشی سوق می‌دهد.

در چهار نوع تعریفی که از زیبایی ذکر شد به حقیقتی دست می‌یابیم که گاهی رسیدن و درک آن حقیقت، نوعی زیبایی را برای ما درک شدنی می‌کند. در واقع مابین زیبایی و حقیقت رابطه‌ای نهفته است. یعنی انسان ممکن است با کشف حقیقتی که باعث انبساط لذت بار حسی او می‌شود امری را زیبا دریابد و بالعکس با درک زیبایی ممکن است به حقیقتی دست یابد. در ادامه هر یک از این چهار نوع را با تکیه بر آیات قرآنی و کلام وحی دریافته می‌شود.

### الف. زیبایی‌های محسوس

«زیبایی‌های محسوسی را که قرآن به آنها اشاره کرده، می‌توان در شش عنوان زیبایی‌های انسان، آسمان، جانداران، طبیعت، رنگ‌ها و مصنوعات بشری قرار داد» (شریفی و رضازاده جودی، ۱۳۹۴: ۸۳) در کتاب اهتزاز روح درباره زیبایی‌های محسوس می‌خوانیم: «در طبیعت هزاران نوع زیبایی وجود دارد، که کاملاً با حواس پنج‌گانه ادراک می‌شوند. مانند گل سرخ که زیباست و با چشم و قدرت باصره درک می‌شود» (مطهری، ۱۳۶۹: ۷۰). قرآن در آیات خود زیبایی‌ها را برمی‌شمرد و انسان‌ها را به تأمل در آن فرامی‌خواند و کسب زیبایی را توصیه می‌کند. آیات بسیاری درباره زیبایی‌های محسوس و توجه به آنهاست:

۱. طبیعت: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا (کهف: ۷)؛ در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیور برای آن قرار دادیم.» از این آیه چنین برداشت می‌شود که هر خلقتی یا شیئی بر روی زمین شایسته است که با زینتی درخور آراسته شود و آراستگی و زیبایی محسوس کاری پسندیده است؛ برای مثال طبق آیه ۶ سوره صافات ستارگان زینت آسمان دنیا است؛

۲. آسمان: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (ق: ۶)؛ آیا به آسمانی که بالای سر آنهاست نگاه نکرده‌اند که چگونه ما آن را ساخته و زینت داده‌ایم و هیچ شکافی برای آنها نمی‌باشد؟» در این آیه ما را به دعوت به دیدن آسمان می‌کند تا از زینت‌های محسوس آسمان به زیبایی خالق آن پی ببریم که چگونه این زیبایی را در اوج کمال و درستی و تعادل برای ما آفریده است؛

۳. انسان: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (التین: ۴)؛ به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.» احسن تقویم که از دیدگاه اکثر مفسران اعتدال و تناسب اندام انسان است، دلیل دیگری بر تأکید قرآن برای زیبایی محسوس و ساختاری است: «ساختار وجودی انسان، در استوارترین و زیباترین ساختار و در اوج اعتدال است.» «قوام» (به فتح قاف) یعنی «عدل» و به کسر قاف یعنی، نظام و رکن و آنچه مایه قیام چیزی باشد. «تقویم» یا از اولی گرفته شده و به معنی تعدیل است و یا از دومی مشتق شده و به معنای «قوام دادن» و «عنصرهای چیزی را سامان بخشیدن» است. در این صورت مفاد آیه این می‌شود که نظام خلقت انسان، در اوج حسن و نیکویی است. حسن هر چیز در عرف مردم، به زیبایی حسی آن است، ولی بیشتر موارد آن در قرآن، ناظر به نوعی از زیبایی است که با بصیرت درک می‌شود» (بلخاری، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

آیاتی که در قرآن به زیبایی انسان در جایگاه اشرف مخلوقات اشاره می‌کند، شایان توجه است. برای نمونه آیه ۶۴ سوره غافر که در آن خداوند به انسان می‌فرماید: «وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَتِكُمْ؛ و صورت شما را کشید و این صورتگری را زیبا و نیکو انجام داد.» حجت الاسلام قرائتی در مجموعه تفسیر نور به دو نکته مهم درباره این آیه اشاره می‌کند: اول اینکه زیباترین صورت را خداوند به انسان‌ها بخشیده است و دوم اینکه، زیبایی چهره انسانی، از نعمت‌های الهی است که خداوند به آن اشاره می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۸/۲۸۵). در این آیه زیبایی صورت تصریح و تأکید شده است، مفسران نیز آن را مدنظر قرار داده‌اند، اما بنا به این معنا که هیچ محسوسی، مطلقاً در حوزه دین مشروعیت نمی‌یابد، مگر در اتصال به معقول، در اینجا نیز مفسران ترجیح می‌دهند این زیبایی صورت را به زیبایی سیرت نیز تسری دهند.

۴. جانداران: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ (نحل: ۶)؛ و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که از چراگاه برمی‌گردانید و هنگامی که به چراگاه می‌برید.» نکته مدنظر این است که زیبایی در حال دو نوع حرکت که جانداران به‌طور انفرادی یا دسته جمعی از خود نشان می‌دهند، محصول کیفیت حرکت آنهاست، حرکت صبحگاهی که به مراتب و دشت‌های سرسبز می‌روند و حال گویندگی در ادامه حیات خود را بروز می‌دهند و حرکت شامگاهی برای استراحت و آرامش و دیدار و انس که با آشیانه‌ها و بچه‌های خود انجام

می دهند (جعفری، ۱۳۸۱: ۳۰۷).

۵. الوان (رنگ ها): «ألم تر أن الله أنزل من السماء ماءً فأخزجنا به ثمراتٍ مختلفاً ألوانها ومن الجبال جُدُدٌ بيضٌ وحمُرٌ مُختلفٌ ألوانها وُغرابيبُ سوُدٌ (الفاطر: ۲۷)؛ آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرود آورد و با آن میوه‌هایی که رنگ‌های آنها گوناگون است، بیرون آوردیم و از برخی کوه‌ها، راه‌های سپید و گلگون به رنگ‌های مختلف و سیاه پررنگ آفریدیم.» در این آیات زیبا از این کتاب بزرگ آفرینش ما را متوجه تنوع موجودات بی جان و نعمت‌های مختلف در رنگ‌ها و صورت‌های متفاوت و زیبایی‌های دنیا در تمام خلقت پروردگار کرده است. بی تردید رنگ‌ها در عالم طبیعت، یکی از پدیده‌های چشمگیر است. هنگامی که به مفاهیم و دسته‌بندی‌های طبیعی رنگ‌ها می‌نگریم، حیرت ما افزایش می‌یابد. برای نمونه، رنگ سرخ که خطر را هشدار می‌دهد یا آبی که آرامش را در خود دارد. آنچه هنرمندان و رنگ‌شناسان در طول تاریخ بشری از خود به جای گذاشته‌اند، همواره معلم بزرگی مانند طبیعت داشته است.

۶. مصنوعات بشری: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لَنَا كَلُومًا مِنْهُ لِحِمَاً طَرِبًا وَتَسْتَخْرِجُ مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُوهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِيهٍ وَتَلْتَبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل: ۱۴)؛ و اوست که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید و پیرایه‌ای که آن را می‌پوشید، از آن بیرون آورید و کشتی‌ها را در آن شکافنده می‌بینی و تا از فضل او بجویید و باشد که شکرگذار باشید.» توانایی آدمی در رفع نیازهای خود از راه تکیه بر طبیعت و آفریده‌های الهی ممکن می‌شود. آدمی در تمام ادوار، هر چیزی که می‌سازد، بنیاد و اساس آن را از طبیعت گرفته است. در این آیه و آیاتی مانند این، خداوند به انسان یادآوری می‌کند که در ساخت و تولید خوراک، لباس، اسباب و وسایل گوناگون همیشه مدیون و محتاج طبیعت است.

شاید به اشتباه فکر کنیم انسان در جهان مدرن از این وابستگی رها شده است. تولیدات آزمایشگاهی و کارخانه‌ای در نگاه اول انسان را بی‌نیاز از طبیعت نشان می‌دهد، اما حقیقت این است که دانشمندان در مجهزترین آزمایشگاه‌ها و مراکز تولیدی و پژوهشی نیز همواره بر عناصر و موادی کار می‌کنند که بنیان‌های طبیعی دارند. حتی آنجا که مواد را مصنوعی می‌سازند در چگونگی ساخت و تولید این مواد باز هم نظریه طبیعت دارند. از ساختارهای ریز سلولی، مولکولی تا نظم و نظام‌های کهکشانی، همه مانند کلاس درسی است که به انسان یاد می‌دهد چگونه می‌تواند

تولیدکننده و سازنده باشد.

### ب. زیبایی نامحسوس

این گروه را همان‌گونه که قبلاً گفته شد، زیبایی اموری مانند عشق، آزادی و... است. در اینجا یکی از مهم‌ترین نمود این شکل از زیبایی در قرآن بررسی می‌شود: عشق به والدین.

خداوند در آیه‌های ۲۳-۲۴ سوره اسراء می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «اف» مگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و بزرگوارانه سخن بگو؛ و اُخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ و از روی مهربانی و لطف، بال تواضع خویش را برای آنان فرود آور و بگو: پروردگارا! بر آن دو رحمت آور، همان‌گونه که مرادر کودکی تربیت کردند.» احترام به پدر و مادر و عشق ورزیدن به آنها مکرر در قرآن آمده است. در کنار آیات قرآنی، روایات اسلامی نیز به این عشق ورزی و محبت به شدت توصیه کرده‌اند تا آنجا که به محبت نگرستن به پدر و مادر، ثواب حج دارد. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «مَا وَدَّ بَارَئِنَا إِلَىٰ أَبِيهِ بِرَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظَرَةٍ حُجَّةٌ مَبْرُورَةٌ. فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرْتَنِي كُلَّ يَوْمٍ مَائَةَ نَظْرَةٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ؛ هر فرزند نیکوکاری که با مهربانی به پدر و مادرش نگاه کند در مقابل هر نگاه، ثواب یک حج کامل مقبول به او داده می‌شود. سوال کردند حتی اگر روزی صد مرتبه به آن‌ها نگاه کند؟ فرمودند: آری، خداوند بزرگ‌تر و پاک‌تر است» (مجلسی، بی تا: ۷۳/۷۴).

### پ. زیبایی‌های معقول

در قرآن زیبایی‌های معنوی و معقول به دلیل ارتباط نزدیکی که با روح و فطرت انسان دارد، اهمیت بیشتری نسبت به زیبایی‌های محسوس دارد و به مراتب توجه بیشتری به آن شده است و در حقیقت به زیبا یا نیکو زیستن می‌پردازد. «یک سلسله از زیبایی‌ها، در اوجی برتر از حس و قوه خیالیّه انسان قرار دارند که تنها عقل انسان قادر به درک آنهاست این دسته از زیبایی‌های معقول و یا حسن عقلی می‌نامند» (مطهری، ۱۳۶۹: ۷۳). در آیات قرآنی بر زیبایی آرمان‌های معقول و اصول عالی اخلاق و چارچوب‌های ارزشی جامعه اسلامی را می‌سازد و اخوت و برادری اسلامی را معنا می‌بخشد. در کنار همین نگاه زیبایی‌شناسانه قرآنی است که مسلمانان

از هر رنگ، نژاد، قبیله و قومی در کنار هم زندگی می‌کنند و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد، مگر آنکه در بندگی خداوند، مؤمن تر باشد. از مهم‌ترین زیبایی‌های معقول که قرآن کریم به ما معرفی می‌کند عبارت‌اند از:

۱. عفو اغماض زیبا: خداوند متعال به ما یادآوری می‌کند: «وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (حجر: ۸۵)؛ و روز رستاخیز قطعاً فرا خواهد رسید. با عفو و بخشش زیبا از لغزش‌های مردم در گذر.» بر پایه این آیه و آیاتی مانند این است که در صفحه ۵۱ نهج الفصاحه می‌خوانیم: «ارحموا ترحموا و اغفروا يغفر لكم؛ کسان را رحم کنید تا به شما رحم کنند و دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید.» علامه جعفری تأکید می‌کند این بخشندگی باید بی‌منت باشد. هنگامی که فرد در موضع قدرت انتقام‌گیری است و از انتقام می‌گذرد، عفو تمجید شده الهی درباره او صدق می‌کند. البته این بخشش نباید موجب طغیان‌گری شود (جعفری، ۱۳۸۱: ۳۰۹).

۲. شکیبایی زیبا: در آیه ۵ سوره معارج خداوند می‌فرماید: «فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (معارج: ۵)؛ شکیبایی نما، شکیبایی زیبا.» خداوند حدود ۲۰ مرتبه در قرآن پیامبر (ص) و مؤمنان را به صبر، آن هم صبر جمیل دعوت می‌کند. اما صبر جمیل به چه معناست؟ آیا صبر و شکیبایی از منظر قرآن انواع دارد؟ علامه جعفری می‌نویسد: چه بزرگ و زیبا است آن روح که در برابر حوادث و انگیزه‌های بی‌اساس و غیرمنطقی خود رانمی‌بازد و تلخی صبر و بردبار قیافه او را که مانند پرده‌ای روی روحش کشیده است، درهم و برهم نمی‌کند (جعفری، ۱۳۸۱: ۳۱۰). کلام علامه جعفری، ویژگی‌های صبر جمیل را بر ما عیان می‌کند: صبری که نه تنها، شکیبایی بر مصیبت و تلخی زندگی و حوادث ناگوار آن باشد، بلکه فرد روی ترش نکند و با جزع و فزع و عجز و لابه تاب و توان از خود و دیگران نگیرد. صبر کند و صبور و آرام باشد و با قلبی مطمئن و توکل بر خداوند، سختی را از سر بگذراند.

۳. هجرت: «وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (مزمّل: ۱۰)؛ و به آنچه می‌گویند بردبار باش و از آن دوری‌گزین، دوری و جدایی زیبا.» هجرت نیز شکلی دیگر از صبر در برابر جدایی از وطن و دیگر تعلقات است. از این رو خداوند هجرت را همانند صبر با صفت جمیل می‌خواند. «در این آیه شریفه، هجرت، زیبایی معقول در نظر گرفته شده و در عین حال در جدایی همسران از یکدیگر»، همان‌گونه که در آیه ۴۹ سوره احزاب آمده است (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۲۰۱).

۴. ایمان: در قرآن از ایمان به عنوان زیبایی معنوی و باطنی

یاد شده است. «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ (الحجرات: ۷)؛ ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده است و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده است.» ایمان، زینت دل مؤمن است و تنها ایمان است که باطن مؤمن را می‌آراید. مسلمانی که باطنش منور به نور ایمان است، از هر آذین و پیرایه دنیوی بی‌نیاز است. زیورهای دنیا در نگاه او حقیر است و از آنها روی می‌گرداند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «مَنْ دَخَلَ قَلْبَهُ خَالِصُ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ شُغِلَ عَمَّا فِي الدُّنْيَا مِنْ زِينَتِهَا إِنَّ زَيْنَةَ زَهْرَةِ الدُّنْيَا إِنَّمَا هُوَ لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ؛ هر که حقیقت خالص ایمان به قلبش راه یابد، از زینت دنیا روی می‌گرداند. به راستی که زینت متاع دنیا، بازیچه و سرگرمی است و همانا سرای آخرت، سرای زندگی است» (حسینی، ۱۳۹۶: ۲۴). اصول و آرمان‌های معقول، آن واقعیت‌های زیبا هستند که هم فی‌نفسه زیبا هستند و هم زیبایی‌ها را به طور کامل برای ما می‌نمایانند.

### ت. زیبایی مطلق

این زیبایی به جهت منشأ در ذات زیباست و حد نهایی ادراک انسان از زیبایی. دیدن و درک زیبایی مطلق، بدون وجود روحی بزرگ و طی مراتب ایمان و اخلاص ممکن نیست. باید از زیبایی‌های مادی فراتر رفته تا به درک زیبایی مطلق و حقیقت برسیم. مطلق‌ترین زیبایی، ذات باری تعالی است که البته هیچ چشمی، تاب دیدن آن را ندارد.

### واژگان و مفاهیم زیبایی

در آیات قرآن واژگان و مفاهیمی نیز برای زیبایی به کار رفته است که در یک تقسیم‌بندی عبارت‌اند از:

۱. جمال (زیبایی بسیار)، حسن (شادی‌آور، دلپسند)، زینت (امری زیبایی که به چیزی افزوده شود). این سه کلمه، واژه‌های محوری زیبایی در کلام الهی هستند و به تکرار در قرآن آمده‌اند:

۲. حلیه (آراستگی)، بهجت (زیبایی، خرمی، شادی)، زخرف (زینت خوش نما و زرق و برق دار) و تسویل (چیزی که نفس اشتیاق دارد بیاراید و زشت را زیبا جلوه دهد)؛

۳. واژه‌هایی که بنا بر برخی وجود تفسیری در حوزه زیبایی قرار می‌گیرند؛ مانند حُبُك (زیبایی) و تبرج (زینت‌نمایی)؛

۴. واژگانی که بیانگر برخی عناصر و ویژگی‌های زیبایی‌اند؛ مانند نور، لون و قدر (خرقانی، ۱۳۸۷: ۱۴).

چنانچه در ابتدا نیز ذکر شد، حُسن، پرکاربردترین اصطلاح زیبایی در متن قرآن است. حُسن، بیشتر در امور معنوی و معنایی یا اصطلاحاً زیبایی معقول است. حُسن معقول و حُسن محسوس در حوزه فلسفه را پیش از قرآن در آرای حکمای یونانی و به ویژه فلوطین می توان یافت، اما مسلمانان که تا پیش از نهضت ترجمه از آرای یونانی اطلاعی نداشتند، بسیار پیش از آنکه با این مفاهیم در فلسفه یونانی آشنا شوند، از متن قرآن و آموزه های وحی به این معانی آگاهی یافتند. قرآن بر اساس منطق خویش، معانی عمیق و عظیم آن را بازگفته و بیان کرده است (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۱۸۴).

فلوطین را می توان از چهره های تأثیرگذار در فلسفه اسلامی دانست. نظرات فلوطین در جریان نهضت ترجمه به جهان اسلام انتقال یافت و در آثار فلاسفه و حکمای اسلامی بازتاب یافت. «در فلسفه فلوطین، مفهوم زیبایی نقش مهمی دارد: زیبایی علاوه بر بُعد زیبایی شناسانه، جنبه اخلاقی نیز دارد و از آن هم برای توصیف جهان محسوس و هم جهان معقول بهره برده می شود. در نظر او زیبایی محسوس جز بازتاب تضعیف شده ای از زیبایی معقول مُثُل نیست» (ماری، ۱۳۸۴: ۳۲). بررسی آیات قرآن نشان می دهد نزد مسلمانان نیز زیبایی معقول، بسی ارزشمند تر و بالاتر از زیبایی های محسوس و این جهانی است. «از تعداد ۱۸۹ کاربرد کلمه حُسن در قرآن تنها چند آیه به بیان زیبایی محسوس پرداخته و بقیه به صورت کامل، زیبایی و جمال معقول را مورد توجه و بیان قرار داده اند» (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۱۸۵). مفهوم کانونی زیبایی در قرآن، «حُسن» است که در لایه های مختلف معنایی خود با دیگر کلیدواژه های مفهوم زیبایی در قرآن، یعنی جمال، زینت، طیب و اسماء حسنی ارتباط برقرار می کند. در ادامه این لغات و تعبیر آنها شرح داده می شود.

حُسن: واژه ای است که در زبان فارسی نیز نفوذ و گسترش بسیار یافته است. دهخدا این کلمه را چنین معنی کرده است: «نیکویی، نیکی، بهجت، خوبی، جمال، بها، خوب رویی و زیبایی» (URL). پازوکی نیز می نویسد: «مهم ترین لفظی که معنای زیبایی را می رساند لفظ حُسن است و سپس از الفاظ جمال و بها نیز می توان نام برد. در زبان فارسی از کلمه زیبایی کمتر استفاده شده و به جای آن بیشتر واژه هایی چون نیک، نیکی و نیکویی به کار رفته است» (پازوکی، ۱۳۸۴: ۲۲). راغب اصفهانی نیز حُسن را در معنای قرآنی اش چنین تعریف کرده است: «الحُسن یا

زیبایی عبارت است از هر اثر بهجت آفرین و شادی بخش مورد آرزو باشد و بر سه گونه است: اول، آن گونه زیبایی و حُسنی که مورد پسند عقل و خرد است (زیبایی معقول)؛ دوم، زیبایی و حُسنی که از جهت هوی و هوس نیکو است (زیبایی هوسناک)؛ سوم، زیبایی و حُسنی محسوس که طبیعتاً زیبا و خوب است (زیبایی محسوس یا طبیعی)» (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۱۸۹). حُسن که در مقابل زشتی یا قبح قرار دارد به معنای شادی آور، دلپسند و خوشایند است و به سه گونه دانسته می شود: ۱. خوشایند عقل، ۲. خوشایند نفس، ۳. خوشایند حس. مفهوم حُسن در اندیشه های قرآنی، حوزه گسترده ای را شامل می شود و کاربردهای گوناگونی دارد و در توصیفات مادی و محسوس، موضوعات معنوی، رفتارها و صفات قلبی به کار می رود.

در بسیاری از کاربردهای قرآنی، معنای مقابل حُسن، سوء است. در بعضی آیات، به روشنی معنای حُسن، همان زیبایی است: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَاتٌ» (الرحمن: ۷۰)؛ در آنجا [زنانی] نیکو خوی و نکور بیند» (شریفی و رضازاده جودی، ۱۳۹۴: ۱۵۱۶). خیرات در اینجا نیکوسیرتی است و حُسن که هم ریشه حُسن است، نیکو صورتی.

#### الف. حُسن و زیبایی محسوس

آفرینش: خداوند در قرآن، سوره سجده آیه ۷ می فرماید: «الذی أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ؛ همان کسی که هر چیزی را آفریده، نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.» در این آیه، خداوند پس از اینکه زیبایی همه مخلوقات و آفریده هایش را به یاد انسان می آورد، بار دیگر از انسان نام می برد که باینکه از گل آفریده شده است، او نیز در نهایت زیبایی است. حجت الاسلام قرائتی تأکید می کند جداگانه نام بردن از انسان در کنار همه مخلوقات دیگر، تأکیدی بر جایگاه و ارزش انسان است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۰۳/۷). در این آیه، خداوند به عنوان سرچشمه مطلق تمام زیبایی ها، خلقت و صنعت نیز عملی زیباست و «اصولاً به تعبیر افلاطون در رساله تیمایوس، خدا چون خوب است و قانون این است که بهترین موجود جز به بهترین شیوه عمل نمی کند به همین دلیل عالم را خوب و زیبا خلق کرده است» (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۱۸۷). علامه طباطبایی (۱۳۷۴: ۳۱/۱) نیز درباره این آیه چنین می گوید: «آن خدایی که هر چه را خلق کرده زیبایش کرده و اثبات کرده که هر چیزی که مخلوق است به آن جهت که مخلوق او است و منسوب به او است حُسن و زیبا است، پس

حُسن و زیبایی دائرمدار خلقت است، همچنان که خلقت دائرمدار حُسن می‌باشد، پس هیچ خلقی نیست مگر اینکه به احسان خدا حُسن و به اجمال او جمیل است، و بالعکس هیچ حُسن و زیبایی نیست مگر آنکه مخلوق او، و منسوب به او است.»

### ب. حُسن و زیبایی معقول

جنبه معقول و عقلانی زیبایی که در قرآن بیش از جنبه محسوس آن مدنظر بوده است، مصادیق و نمونه‌های گوناگونی دارد. برخی از این نمونه‌ها عبارت‌اند از:

۱. زیستن: «وَلْتَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (عنكبوت: ۷)؛ و نیکوتر از آنچه می‌کردند پاداش‌شان می‌دهیم.» در چنین آیاتی حُسن به معنای نیکو زیستن و نیکو عمل کردن است. چنان نیکویی در سلوک زندگی و زیستن که فرد را سزاوار و لایق دریافت پاداش از پروردگار خود می‌کند یا در جایی دیگر که بنده از خدای خود زندگی نیکو در این دنیا و حیات جاودانه و سعادت‌مند اخروی را می‌خواهد: «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ (بقره: ۲۰۱) پروردگارا، به ما در دنیا نیکویی و در آخرت هم نیکویی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگاه دار.» در چنین آیاتی معنا و شکل حقیقی زندگی یا زیست زیبا برای مؤمن آشکار می‌شود. چنان شیوه‌ای در زندگی که نیکویی در دنیا و نیکویی در آخرت را به همراه داشته باشد. یکی از راه‌های شناخت مردم، آشنایی با آرزوها و دعا‌های آنان است. در این آیه، درخواست گروه دوم از خداوند، حسنه است در دنیا و آخرت. در دیدگاه برخی مردم، دنیا به خودی خود مطلوب است، ولی در دید این گروه که دعای آیه ۲۰۱ سوره بقره را در نمازهای روز و شب خود تکرار می‌کنند، دنیایی ارزشمند است که حسنه باشد و به آخرت منتهی شود (قرائتی، ۱۳۸۳/۱: ۳۱۷).

۲. تقوا: در آیه ۱۲۸ سوره نسامی خوانیم: «وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ و اگر نیکویی کنید و تقوی پیشه کنید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» امام سجاد (ع) می‌فرماید: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالتَّعَمُّرِ؛ بار خدایا، مرا با تقوا زینت بخش و با نعمت‌ها جمال عطا فرما (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۱). همچنین خداوند به مؤمنان و متقیان مژده می‌دهد: «زَيِّنْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (بقره: ۲۱۲)؛ زندگی دنیا در چشم کافران

جلوه یافته است و (به همین دلیل) افراد با ایمان را مسخره می‌کنند، در حالی که مؤمنان و پرهیزکاران در قیامت از آنها برترند و خداوند هر کس را بخواهد روزی بی‌شمار مرحمت می‌کند.» بنابراین خداوند به ما یادآوری می‌کند که «برتری در قیامت، مخصوص مؤمنانی است که زخم زبان کفار، رشته تقوای آنها را پاره نکرده باشد» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱/۳۳۱).

### سطوح تجلی حسن

حسن از منظر قرآن، در تمام سطوح اخلاقی و رفتاری مؤمن حضور دارد. بسیاری از حوزه‌های اخلاقی، خصوصیات و صفات انسانی همراه با حسن در قرآن آمده است. پژوهشگران، بسیاری از نمونه‌های هم‌نشینی واژه حسن با صفات انسانی را در متن قرآن مشخص کرده‌اند. بر اساس این ترکیب‌ها که تعدادشان هم بسیار است، رفتارها و اعمال انسانی در جنبه‌های مختلف باید با زیبایی و نیکویی همراه باشد تا زندگی فرد، بر مدار قرآن معنا یابد؛ از جمله این هم‌نشینی‌ها به این نمونه‌ها می‌توان اشاره کرد: زیبایی گفتار (اسرا: ۳۵)، زیبایی رفتار (النحل: ۹۷)، زیبایی تبلیغ (النحل: ۱۲۵)، زیبایی برخورد (الحجر: ۸۵)، زیبایی انتخاب (الزمر: ۱۸ و ۵۵)، زیبایی خلقت (السجده: ۷)، (المؤمنون: ۱۴)، زیبایی رشد (آل عمران: ۳۷)، زیبایی امتحان (انفال: ۱۷)، زیبایی صبر (المعارج: ۵)، زیبایی رزق (الحج: ۵۸)، زیبایی اجر (الکهف: ۲ و طه: ۸۶)، زیبایی موعظه (النحل: ۱۲۵) و اسوه‌ای زیبا (الاحزاب: ۲۱) (شریفی و رضازاده جودی، ۱۳۹۴: ۹۵).

حسن در پنج سطح متجلی و ظاهر می‌شود. کلیه تعاریف زیبایی را می‌توان در این پنج سطح دسته‌بندی کرد و جای داد:

«سطح اول: تجلی وجودی حسن در اسماء الحسنی؛ سطح دوم: تجلی حسن و زیبایی در موجودات و مخلوقات؛ سطح سوم: فهم، تشخیص و ادراک حسن و زیبایی توسط فطرت انسان؛ سطح چهارم: بروزات اختیاری انسان از حسن و زیبایی در رفتار و اعمال و گفتار؛ و سطح پنجم: آثار حسن و زیبایی در عاقبت و سرانجام اعمال و رفتار انسان (مظفر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

حسن در آیات گوناگون قرآنی، همراه با بسیاری مفاهیم و تعبیرها آمده است. خداوند با این کنار هم نشان دادن، جایگاه زیبایی و توجه به آن را در ابعاد گوناگون هستی به انسان



مؤمن یادآوری می‌کند. کلام وحی که سرچشمه و بنیان باورهای اسلامی است به آشکارترین شکل، اهمیت نیکویی و زیبایی و جنبه‌های گوناگون فراحسی آن را نشان می‌دهد. در ادامه به برخی از این ترکیب‌ها و معانی و مفاهیمی که از هر یک به دست می‌آید، اشاره می‌شود. همچنین برخی تعابیر و لغات در ارتباط با مفهوم زیبایی و نیکویی است که آنها نیز بیان می‌شود.

۱. اسماء الحسنی: «وَاللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (حشر: ۲۴)؛ او خدایی است که خالق است، پدیدآورنده است، صورت‌ساز است، برای او نام‌ها و نشانه‌های خوبی است» حسنی، مقام بالایی از زیبایی است و در اغلب موارد درباره اسماء و وعده‌های خداوند به کاررفته شده یا در عاقبت‌ها و پاداش‌هایی که خداوند مقرر می‌کند. عالی‌ترین مقام زیبایی، حسنی است (مظفر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

۲. بیان: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (فصلت: ۳۳)؛ کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من از تسلیم‌شدگانم.» در این آیه، قول یا سخن همراه با احسن آمده است و خوش‌گفتارترین را به ما نشان می‌دهد: کسی که مردم را به سوی خدا فرامی‌خواند. پس امر به معروف و فراخواندن به سوی خدا، احسن گفتارهاست (قرآنی، ۱۳۸۳: ۸/۳۳۸).

۳. موعظه و مجادله: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله کن.» جدال از نگاه قرآن بر دو نوع است: «جدال نیکو که سیره انبیاست و نوعی گفت‌وگو و تلاش برای ارشاد مردم است. چنان‌که کفار به حضرت نوح (ع) می‌گفتند: تو برای ارشاد ما بسیار جدل و تلاش می‌کنی. جدال باطل که به منظور محو یا کم‌رنگ کردن حق، انواع طرح‌های انحرافی و باطل را به میان می‌آورد. نمونه‌هایی از جدال نیکو: حضرت ابراهیم (ع) نمرود را به خداپرستی دعوت کرد و فرمود: خدایی را پرستش کن که مرگ و حیات به دست اوست. نمرود گفت: مرگ و حیات در دست من نیز هست. می‌توانم دستور اعدام دهم یا یک اعدامی را آزاد کنم. ابراهیم (ع) فرمود: خداوند نظام را آن‌گونه طراحی کرده که طلوع خورشید از مشرق است، تو خورشید را از مغرب ظاهر کن. نمرود مبهوت شد» (قرآنی، ۱۳۸۳: ۸/۲۱۵-۲۱۴).

۴. تفسیر و تأویل: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا (فرقان: ۳۳)؛ و برای تو مثلی نیاورند مگر آنکه ما حق را با نیکوترین بیان برای تو آوردیم.» همچنین خداوند در سوره اسراء، آیه ۳۵ می‌فرماید: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ و چون پیمان‌ها را تمام دهید و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش‌تر است» (بلخاری، ۱۳۹۶ (الف): ۱۸۶).

۵. قصص: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (یوسف: ۳)؛ ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم بر تو حکایت می‌کنیم و توقعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی» (بلخاری، ۱۳۹۶ (الف): ۱۸۷). قصص هم به معنای خود داستان و هم به معنای نقل و گفتن آن است. حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: «فرزندم، من در سرگذشت گذشتگان چنان مطالعه کرده‌ام و به آنها آگاهم که گویا با آنان زیسته‌ام و به اندازه آنها عمر کرده‌ام» (قرآنی، ۱۳۸۳: ۴/۲۱). بنابراین احسن القصص از یک سو می‌تواند به معنای روایت زندگی گذشتگان و تدبیر احوال آنان باشد. از سوی دیگر، «در روایات، به کل قرآن، احسن القصص نیز اطلاق شده است و این منافاتی ندارد که در میان کتب آسمانی، قرآن احسن القصص باشد و البته در میان سوره‌های قرآن، این سوره [سوره یوسف (ع)] احسن القصص باشد» (همان). اما پرسش اینجاست که چرا قرآن احسن القصص است یا احسن القصص را در خود دارد؛ زیرا «۱. قصه‌گو، خداوند است؛ ۲. هدف دار است؛ ۳. حق است و نه خیال؛ ۴. بر اساس علم است و نه گمان؛ ۵. وسیله تفکر است و نه تخدیر؛ ۶. وسیله عبرت است و نه تفریح و سرگرمی» (همان).

۶. جمال: در قرآن کلمه جمیل ۳ بار و جمیلاً ۴ بار و جمال ۱ بار آمده است. وقتی کسی در حسن به درجات بالا برسد، از او با تعبیر جمیل (بروزن فعیل) یاد می‌شود. در واقع در کل قرآن تنها ۸ بار این کلمه آمده است. استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب اهتزاز روح می‌نویسد: آیا اصلاً جمال تعریف شدنی است؟ و در پاسخ می‌نویسند که «زیبایی را نمی‌توان تعریف کرد. مثلاً در باب فصاحت و بلاغت که از مقوله زیبایی است علما می‌گویند: نمی‌توان فصاحت را تعریف واقعی کرد، زیرا ممایدرک و لایوصف است. درک می‌شود اما توصیف نمی‌شود (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۷). اندیشمندان دیگر نیز در این باره بسیار نگاشته‌اند. برای

نمونه آیت الله جوادی آملی می نویسند: «جمال چیزی است که با دستگاه ادراکی ملائمت داشته باشد و هنر خلاقیت این دستگاه است. یعنی اگر موجودی زیبا بود، الزاماً هنرمند نیست. موجودی هنرمند است که بتواند زیبایی بیافریند و آنچه هنرمند بیافریند، جمال و زیبایی است. پس زیبایی عبارت است از شیء محسوس یا نامحسوس که با دستگاه ادراکی ماهمانگ باشد، یعنی قوای ادراکی از آن لذت ببرد. جمال یک پدیده ملموس، مثل پریان و حریر، در نرمی آن است که لامسه از آن لذت می برد (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳). در نگاه مفسران قرآنی، تمایزی میان حسن و جمال دیده نمی شود. مرحوم علامه در شرح آیه شریفه ای منشأ حسنات یا زیبایی ها را خداوند و منشأ زشتی ها را نفس انسان می داند: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (نساء: ۷۹)؛ هر آنچه از خوبی ها به تو می رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می رسد از خود توست و تو را به پیامبری برای مردم فرستادیم و گواه بودن خدا بس است» (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۲۰۳).

۷. زینت: زینت از ماده زین به زیبا کردن یا آذین بستن اشاره می کند. عملی که در نتیجه آن زیبایی جلوه گرمی شود. راغب اصفهانی زینت را بر سه گونه می داند: «زینت نفسانی، مانند دانش و اعتقادات خوب؛ زینت جسمانی، مانند نیروی بدنی، بلند قامتی و تناسب اعضا و زینت بیرونی مانند مال و مقام» (شریفی و رضازاده جودی، ۱۳۹۴: ۹۶). «زینت، امر زیبایی است که به چیزی افزوده و آن را زیبا می سازد و به سبب این زیبایی، دیگران به آن تمایل پیدا می کنند. این واژه و مشتقات آن ۴۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است. خدای متعال گاه زینت بخشی اشیا را به خود نسبت داده است، گاه به شیطان و شریکان و گاه فاعلی برای آن یاد نشده است» (همان). برای نمونه در آیه ۶ سوره الصافات می خوانیم: «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ؛ ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم.» این آیه از نمونه هایی است که عمل زینت دادن را به خداوند نسبت داده است. اما زیبایی، همیشه راهنمای حقیقت و سعادت نیست. گاه دامی است که برای فریب گسترده می شود. مثال دنیای زیبای فریبنده را بسیار شنیده ایم. جهان مادی که با همه زیبایی هایش می تواند باری سنگین بردوش مؤمن باشد و او را از پیمودن مسیر حق بازدارد. مانند این مصراع از سعدی که به صورت ضرب المثل در میان ایرانیان رایج است: «میوه

نمی دهد به کس باغ تفرج است و بس». این مصراع به ویژه در درک مفهوم دنیا یا هر چیز زیبا و فریبنده که نتیجه ای از آن حاصل نمی شود به کار می رود؛ مانند کلامی زیبا که فریبنده باشد و سبب گمراهی شود. در سوره انفال می خوانیم: «وَ إِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ (آیه ۴۸)؛ و آنگاه که شیطان کردار (زشت) آنان را در نظرشان زیبا نمود.» امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «زِينَةُ الْبَوَاطِنِ أَجْمَلُ مِنَ زِينَةِ الظُّوَاهِرِ؛ زینت باطن ها، جمیل تر از زینت ظاهرها است.» (حسینی، ۱۳۹۶: ۲۵) زینت نام کوهی در بهشت نیز هست. امام صادق (ع) فرمودند: «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَنْزَلَ الْإِلَاحَ عَلَى مُوسَى (ع)... وَ هُوَ زَبْرَجْدَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ جَبَلًا يُقَالُ لَهُ زَيْنَةُ. خدایوند الواح را به موسی نازل نمود... و آن الواح از مردهای کوهی در بهشت بود که آن را زینت گویند.» (همان: ۲۱)

۸. حُبُك: در قرآن کریم یک مرتبه این لغت آمده است و سه معنی راه، زینت و اعتدال از آن درک می شود. همه این معانی نیز برای توصیف آسمان دیده می شود: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (ذاریات: ۷)؛ سوگند به آسمان دارای راه ها و زیبایی های بسیار است» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۹/۲۴۴).

۹. زخرف: «زخرف به زینتی خوش نما و زرق و برق دار گفته می شود. از این رو به طلا نیز زخرف اطلاق شده است. این واژه چهار بار در قرآن آمده است: یک بار برای سرسبزی زمین (یونس: ۲۴)، یک بار به معنای سخنان خوش ظاهر (انعام: ۱۱۲) و دو مورد دیگر درباره خانه هایی با زرو زیور (اسراء: ۹۳). حتی سوره ۴۳ قرآن کریم به همین نام است. خداوند در آیه ۳۵ این سوره می فرماید: «وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَشَلِكُ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ؛ و زرو زیورهای دیگر نیز و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است.» (شریفی و رضازاده جودی، ۱۳۹۴: ۹۷) زخرف در فارسی نیز به معنای «کمال خوبی هر چیزی یا حتی زراست» (URL) مؤمنان برخلاف کفار که زینت های دنیوی برای آنها بسیار مهم و خیره کننده است، به آخرت خود می اندیشند. قرب و همجواری الهی برای ایشان از هر زخرف و زری چشم گیرتر و مهم تر است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۸/۴۵۲).

۱۰. تسویل: «به معنای آراستن بدی ها و نیکو جلوه دادن آنهاست. تسویل در قرآن چهار بار آمده است. وَجَاءَ وَعَالِي قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً (یوسف: ۱۸)؛ و پیراهن یوسف را آلوده به خون دروغ نزد پدر آوردند یعقوب گفت بله این امر زشت را نفس مکار در نظر شما زیبا

جلوه داده.» (شریفی و رضازاده جودی، ۱۳۹۴: ۹۸) این واژه قرآنی به صورت «تسویلات شیطانی» در شعر و ادب فارسی نیز بسیار دیده می‌شود. قآنی می‌گوید: «اگر شوخ جوانستی و گر شیخ نوانستی / تو را طاعت به کار آید نه تسویلات شیطانی».

۱۱. تَبْرُج: این واژه به معنای نمایش زینت زنان یا خروج زن از منزل معنی شده است. تبرج از واژه برج به معنای قصر مشتق شده است و برخی مانند راغب درباره چگونگی انتقال از این معنا به زینت‌نمایی و جلوه‌گری زنانه نکاتی را آورده‌اند (خرقانی، ۱۳۸۷: ۱۹). تبرج همچنین مخصوصاً به معنای نمایش زینت زنان به مردان نامحرم بوده و از این جهت نکوهیده شده است. در قرآن کریم آمده است: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجِ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (الاحزاب: ۳۳)؛ در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم، زینت‌های خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزاید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»

۱۲. حلیه: این واژه ۹ بار در قرآن کریم به معنای زیور آراستن بهشتیان و زیورهای دنیوی به کار رفته است. برای نمونه: «هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لَنَا كُلًّا وَمِنَهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُ مِنْهُ حَبْلًا حَلِيَّةً تُلْبَسُونَ بِهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل: ۱۴)؛ و اوست آنکه دریا را رام نمود تا از آن گوشت تازه بخورید و زیورهایی برای پوشیدن از آن بیرون آورید و می‌بینی که کشتی‌ها سینه دریا را شکافته و به سراغ فضل و لطف او روید و شاید سپاسگزار باشید.» همچنین در قرآن آمده است: «وَ خُلُوهَا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (انسان: ۲۱)؛ پیرایه آنان دست‌بندهای سیمین است و پروردگارشان باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند.» امام صادق (ع) از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند: «هنگامی که بهشتیان وارد بهشت می‌شوند، با درختی روبه‌رو می‌شوند که سایه‌ای گسترده دارد و از پای آن دو چشمه جاری است. آنان در چشمه‌ای خود را می‌شویند و از چشمه دیگری می‌نوشند و پس از آن هیچ بیماری و ناراحتی در بدن آنها رخ نمی‌دهد و این است معنای سقا هم ربه هم شراباً طهوراً» (مجلسی، بی‌تا: ۸/۲۱۲).

۱۳. بهجت: به معنای زیبایی، خوش‌رنگی، خرمی و شادی است. بهجت یک بار و بهیج دو بار در قرآن کریم و در توصیف رستنی‌ها آمده است: «وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاَهَا وَالْأَلْقِيْنَا فِيهَا رَوَاسِي

وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (ق: ۷)؛ و زمین را گسترديم و در آن کوه‌هایی بلند افکندیم و از هر گونه نباتات خوش منظر در آن رویانیدیم. همان‌گونه که می‌بینیم در این آیه، بهیج صفتی برای روییدنی‌هاست.

۱۴. طیب: در لغت به معنای پاکیزه، دلپذیر و خوشایند است. کلمه طیب در آیه ۲۴ سوره حج از اسامی و صفات قرآن بر شمرده‌اند: «وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ (حج: ۲۴)؛ و به سوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند.» قرآن را از آن رو «طیب» نامیده‌اند که از هر عیب و نقصانی پاک و منزّه است و هر کس آن را بشنود یا بخواند، از آن لذت می‌برد. طیب برای خوراک‌ها با فعل خوردن نیز آمده است (طه: ۸۱). طیب را حدود ۵۰ بار در قرآن می‌یابیم.

۱۵. نَضْرَةٌ: به معنای زیبایی و شادابی است، همان‌گونه در «وجوه یومئذٍ ناضره (قیامت: ۲۲)». همچنین در سوره انسان، آیه ۱۱ می‌خوانیم: «فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا؛ خدا ایشان را از شر آن روز ننگه داشت و آنان را طراوت و شادمانی بخشید.» (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۰/۳۳۰)

۱۶. بَرٍّ: این واژه به معنای نیکی است، ولی به هر کسی که خیلی نیکوکار باشد، می‌گویند او برّاست. یعنی وجودش یکپارچه نیکی است. واژه برّ با مشتقاتش ۲۰ بار آمده است و در معنای نیکی وسیع ۱۱ بار. «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ (بقره: ۱۷۷)؛ نیکی تنها آن نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانید.» (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۰/۲۶۹)

۱۷. ریش: ریشاً به معنای پرپرندگان است که در اینجا مراد لباس زینت و وسایل آرایش و زیبایی است. این واژه فقط یک بار در قرآن آمده است (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۰/۴۴). «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (اعراف: ۲۶)؛ ای فرزندان آدم، محققاً ما لباسی که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارایید برای شما فرستادیم و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست شاید خدا را یاد آرند.»

۱۸. قدر و تناسب و توازن: «نظام آفرینش بر اساس هندسه دقیق و منظمی بنا شده که در آن هر چیز به اندازه و با نسبت مشخص و متناسبی آفریده شده است. این نکته را می‌توان در این آیات ملاحظه کرد: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر: ۴۹)؛ البته ما هر چیز را به اندازه آفریدیم.» همچنین در این آیه: «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (رعد: ۸)؛ و هر چیز نزد او

مقدار معینی دارد.» (شریفی و رضا زاده جودی، ۱۳۹۴: ۹۸)

زمانی که ما به درک قدر، اندازه و تناسب در قرآن و آفرینش الهی می‌رسیم، به روشنی درمی‌یابیم که حسن تناسب و اندازه بدون نظم و هماهنگی میسر نیست. در حقیقت لازمه تناسب، نظم است. چیده شدن با نظم و ترتیب، یکی از نشانه‌های زیبایی است که در قرآن بارها به آن اشاره شده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ أَلْيَلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (آل عمران: ۱۹۰)؛ همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد و شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است.» یا «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيْرُ (تغابن، ۳)؛ آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را صورتگری کرد و صورت‌هایتان را نیکو آراست و فرجام به سوی اوست.» همچنین «ألم تر ان الله يولج الليل والنهار و يولج النهار في الليل و سخر الشمس و القمر كل يجرى الى اجل مسمى و ان الله بما تعملون خبير (لقمان: ۲۹)؛ آیا نمی‌بینی که خدا شب را در روز و روز را در شب وارد می‌کند و خورشید و ماه را که هریک به سوی وقت معینی در حرکت‌اند، مسخر فرموده و بی‌شک خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است.» نیز آیه «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ (مؤمنون، ۱۴) آن‌گاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آن‌گاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم. بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم آن‌گاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم آفرین باد بر خدا که نیکوترین آفرینندگان است.» یا «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ (قمر، ۴۹) همانا خداوند هر چیزی را به قدری معین خلق کرده است.» همچنین در آیات سوره‌های حجر، سجده و تین نیز به این آیات برمی‌خوریم: «وَأَنْتَبِتْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مُّوَزَوْنَ (حجر، ۱۹)؛ خداوند هر چیزی را موزون و متناسب رویانده است.»؛ «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ؛ (سجده: ۷) خداوند هر چیزی را زیبا خلق کرده است.»؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ (تین، ۴) به راستی انسان را در زیباترین اعتدال آفریدیم.» و «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ؛ (حجر: ۲۱) و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن دست ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم.»

در حقیقت تا این نظم و ترتیب نباشد، این عظمت و شگفتی‌ها و زیبایی در آفرینش و خلقت صورت نمی‌گیرد.

همان‌طور که بسیاری فیلسوفان شرقی و غربی، زیبایی را در نظم و تناسب می‌دانستند، این نظم و پیوستگی بیانگر ساختاری هندسی و منظم و بسیار دقیق است و دانشمندان با دقت در محیط پیرامون خود به نکات مهمی دست یافته‌اند. زیبایی محسوس هم در قرآن و هم در روایات مفهومی معادل همان تناسب و توازن دارد یا به عبارتی همان اعتدال. این بدان معناست که تعریف قرآن از زیبایی محسوس همان تعریف رایج حکما و فلاسفه است (بلخاری، ۱۳۹۶ الف: ۲۱۵). بررسی و مقایسه آیات گوناگون در این تحقیق با بسیاری آرای فلاسفه و اندیشمندان اسلامی این گفته را تأیید می‌کند.

### نتیجه‌گیری

از تأمل و جست‌وجو و تعمیق در آیات قرآن این برداشت حاصل می‌شود که این کتاب بیانی جامع، محکم و مستدل دارد که به قول خود قرآن در آن اعوجاج و سستی دیده نمی‌شود و عمده آیات آن استوار و محکم بوده و به تعبیر خود قرآن، مفاهیم و دستورات آن از بینات بوده و دارای وضوح است. هر چند که علی‌رغم ظاهر ساده آیات قرآن، عمق مطالب آن بی‌انتهای بوده و در طول ۱۴ قرن اخیر با افزوده شدن علم و دانش و تجربه بشر، همواره رمزهای جدید و معانی تازه‌ای از آیات قرآن درک و استنباط شده که بر پیشینیان مخفی بوده است. از همین رو با توجه به قاعده کلی بیان شده و ارتباط معنایی و ارتباط تنگاتنگ آیات قرآن با یکدیگر و نبود اعوجاج و تناقض و اختلاف در قرآن به عنوان یک مجموعه کامل، در بررسی و درک مفاهیم در هر موضوعی باید کل آن موضوع و انواع مصادیق طرح شده در آن باب را در قرآن در کنار هم و با توجه به شرایط نزول و شأن آیات و از همه مهم‌تر معنای لغوی هر واژه و واژگان مرتبط و نحوه و تعداد و... کاربرد آن در کنار هم دید تا بتوان به بخشی از واقعیت موجود در آن باب و نه همه مطلب استخراج شدنی، دست یافت که شیوه تفسیر قرآن به قرآن بر مبنای همین رویکرد انجام شده است. در تحقیق حاضر نیز که به دنبال بیان تعریف و نگاه قرآن به مقوله زیبایی است با توجه به رویکرد فوق ابتدا جست‌وجوی جامعی در آیات قرآن و شناخت واژگان مرتبط با مفهوم زیبایی انجام شد و مشخص شد که در این کتاب آسمانی، واژگان و مفاهیم زیبایی در حوزه گسترده‌ای مطرح شده که امور مادی و پدیده‌های معنوی را فرا گرفته و با اهداف چند جانبه، لایه‌ها و سطوح

مختلفی دارد. واژه‌های مرتبط با مقوله زیبایی در قرآن به ۱۸ عدد می‌رسد که برخی از آنها در این مقاله آمده‌اند. هر یک از این واژه‌ها دارای دامنه تکرار ویژه است و اشتراکات و افتراقات معنایی با یکدیگر دارند، به‌عنوان مثال واژه حسن و ریشه‌های آن که دارای بیشترین تواتر در بین واژه‌های مرتبط است ۱۸۹ بار در قرآن تکرار شده است. در این مقاله بسیاری از مفاهیم به همراه مصداق قرآنی آن با نگاه به تفسیرها و روایات مربوط به آن آمده است. پژوهش نشان داد مفهوم زیبایی در قرآن به دو صورت محسوس و معقول یا به قول برخی نویسندگان، زیبایی نامحسوس، وجود دارد، اما زیبایی معقول به مراتب بیشتر است و دامنه معنایی گسترده‌تری دارد. از آنجا که درک این زیبایی فراتر از حس و وابسته به تعقل بشری است، نام‌های زیبایی معقول یا نامحسوس را به آن داده‌اند. سه واژه حسن، جمال و زینت با مفهوم زیبایی، بیشترین تعداد کاربرد در متن قرآن را دارند. قرآن به مراتب زیبایی در ظاهر و باطن اشاره می‌کند. زیبایی‌های معقول همان نیکی‌های عالم هستند و به نوعی به دنیای محسوس بازمی‌گردند. از منظر قرآن رابطه و هم‌بستگی بین زیبایی محسوس و معقول وجود دارد، در حقیقت قرآن زیبایی‌های مادی را پلی برای درک و رسیدن به زیبایی معقول و حقیقت می‌داند. لذا نگاه قرآن برخلاف بیشتر عقاید فلاسفه و خصوصاً مکاتب عصر جدید که مبنای فکری عمده آنها بر فردگرایی و اومانیسم بنا شده، تضادی بین زیبایی محسوس و معقول قائل نیست و هر دو مفهوم را به رسمیت شناخته و در امتداد همدیگر قرار داده است.

## منابع

### قرآن کریم.

- باقری پور، اشرف (۱۳۹۷) *مبانی و اصول هنر و زیبایی در قرآن و سیره رضوی و کاربرد آن در هدایت انسان*، رساله دکتری رشته فلسفه هنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع).
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۷) *معنا و مفهوم زیبایی در المناظر و تنقیح المناظر*، تهران: فرهنگستان هنر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸) *هندسه خیال و زیبایی: پژوهشی در آراء اخوان الصفا درباره حکمت هنر و زیبایی*، تهران: فرهنگستان هنر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ الف) *دریاب زیبایی شناسی در حکمت اسلامی و فلسفه یونانی*، تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ ب) «مفهوم زیبایی و مبانی زیبایی شناسی در قرآن»، *هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۲۲ (۴)، ۱۴-۵.
- پازوکی، شهرام (۱۳۸۴) *حکمت هنر و زیبایی در اسلام*، تهران: فرهنگستان هنر.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۱) *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*، تهران:

- مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵) *هنر و زیبایی از منظر دین*، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- حسینی (ژرفا)، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶) «شبکه مفهومی زینت در سنت روایی شیعه»، *الهیات هنر*، ۵ (۱۱)، ۴۶-۵.
- خرقانی، حسن (۱۳۸۷) «مفاهیم زیبایی شناختی در قرآن»، *فقه و اصول*، ۴۰ (۲)، ۴۷-۱۱.
- شریفی، علی و رضازاده جودی، مهدی (۱۳۹۴) «منظومه مفهوم زیبایی شناسی در پرتو آیات قرآن کریم»، *سراج منیر*، ۶ (۲۱)، ۱۰۴-۷۷.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴) *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۲) *تفسیر نور*، دوره کامل، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کریمیان صیقلانی، علی (۱۳۸۷) *مبانی زیبایی شناسی در عرفان اسلامی*، تهران: سمت.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا)، *بحار الانوار*، ترجمه گروهی از مترجمان، بی جا.
- مددپور، محمد (۱۳۸۸) *حقیقت و هنر دینی*، تهران: سوره مهر.
- مظفر، فرهنگ؛ امین پور، احمد؛ اخوت، احمد رضا؛ پورصالحی، عاطفه (۱۳۹۶) «مراتب زیبایی، تصدیق و تحسین زیبایی برگرفته از مفهوم حسن در قرآن»، *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۵ (۴)، ۱-۱۷.
- موری، کریس (۱۳۸۴) *نویسندگان برجسته قلمرو هنر: از عهد کهن تا پایان سده نوزدهم*، مترجمان: صالح طباطبایی و فائزه دینی، تهران: فرهنگستان هنر.
- موسوی لری، اشرف السادات؛ یاقوتی، سپیده (۱۳۹۳) «زیبایی شناسی کلام و حیاتی قرآن کریم»، *جلوه هنر*، ۶ (۲)، ۱۹-۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴) «تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر آرای سید قطب»، *جلوه هنر*، ۲ (۲۷)، ۳۴-۲۵.

## References

### The Holy Qur'an.

- Bagheripour, A. (2018). *Principles of Art and Beauty in the Qur'an and Razavi Tradition*, PhD Thesis, Philosophy of Art, Department of Islamic Art and Humanities, Mashhad: Imam Reza International University (Text in Persian).
- Bolkhari Ghahi, H. (2017). *On Beauty Aesthetics in Islamic Wisdom and West Philosophy*, Tehran: University of Tehran Press (Text in Persian).
- Bolkhari, H. (2008). *The Concept and the Meaning of Beauty in Al Manazir and Tanghah-al Manazir*, Tehran: Iranian Academy of the Arts Press (Text in Persian).
- Bolkhari, H. (2010). *The Geometry of Imagination and Beauty*, Tehran: Iranian Academy of the Arts Press (Text in Persian).
- Bolkhari, H. (2018). The Concept of Beauty and Aesthetic in Quran, *Honar-ha-ye-Ziba Honar-ha-ye Tajassomi*, 22 (4), 5-14 (Text in Persian).
- Dehkhoda, A. A. (2020.). *Dehkhoda Dictionary*, Retrieved from: <https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary>, September, 2021 (Text in Persian).

- Hosseini, S. A. (2019). The Conceptual Framework of Zinat in Shiite Tradition, *Theology of Art*, (11), 5-46 (Text in Persian).
- Jafari, M. T. (2002). *The Beauty and Art in Islam*, Tehran: Alleme Jarari Institute (Text in Persian).
- Javadi Amoli, A. (1996). *Art and Beauty from the Perspective of Religion*, Tehran: Farabi Cinema Foundation Press (Text in Persian).
- Karimiyan Seyghalani, A. (2008). *The Fundamental Principles of Aesthetics in Islamic Mysticism*, Tehran: SAMT (Text in Persian).
- Kharaghani, H. (2008). Aesthetic Concepts in the Quran, *Journal of Fiqh and Usul*, 40 (2), 11-47 (Text in Persian).
- Madadpur, M. (2009). *Truth and Religious Art*, Tehran: Soore Mehr Publication (Text in Persian).
- Majlesi, M. B. (n.d.). *Bihar al-Anwar*, Tehran: Is-lamieh Press (Text in Persian).
- Mousavilar, A. & Yaghooti, S. (2015). Aesthetics in Divine Oration of the Holy Quran, *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 6(2), 5-19. doi: 10.22051/jjh.2014.51 (Text in Persian).
- Mousavilar, A. & Yaghooti, S. (2016). Illustrative and literary manifestations expression of the Quran verses based on the artistic illustration theory by Seyed Qotb, *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 7(2), 25-34. doi: 10.22051/jjh.2016.2124 (Text in Persian).
- Mozaffar, F., Aminpoor A., Okhovat A.R. & Pour-salehi A. (2018). Beauty Levels, Confirmation and Admiration of the Beauty Derived from the Concept of Hosn in Quran, *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 5(4), 1-14 (Text in Persian).
- Murray, Ch. (2005). *Key Writers on Art: from Antiquity to the Nineteenth Century*, Translated by Saleh Tabatabai and Faezeh Dini, Tehran: Iranian Academy of the Arts Press (Text in Persian).
- Pazouki, Sh. (2009). *An Introduction to the Philosophy of Art and Beauty in Islam*, Tehran: Iranian Academy of the Arts Press (Text in Persian).
- Qara'ati, M. (2004). *Tafsir Noor*, Tehran: Lessons from the Holy Quran Centre (Text in Persian).
- Sharifi, A. & Rezazadeh Joudi, M. (2016). The Structure of Aesthetic Concept from the Perspective of the Holy Quran, *Seraje Monir*, 6 (21), 77-104 (Text in Persian).
- Tabatabai, M. H. (1995). *Tafsir al-Mizan*, Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press (Text in Persian).

#### URLs:

URL1-dekhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary دسترسی در

مهرماه ۱۴۰۰.

## Terminology of the Concept of Beauty in the Qur'an<sup>1</sup>

Dariush Fard Dehkordi<sup>2</sup>  
Zahra Sadat Mortazavi Nia<sup>3</sup>

Received: 2021-06-23  
Accepted: 2021-12-13

### Abstract

Grace is one of the basic issues in the wisdom of Islamic art and thought, about which many interpretations have been written in the contemporary period. Familiarity with Islamic aesthetics is important in this regard because understanding the beauties in this world, which is a manifestation of the essence of truth and makes it manifest, is a matter of understanding the greatness of God, creation and beauty in God's system. Points out that it itself reflects a form of divine ontology. There are many definitions of beauty in the field of aesthetics, each of which deals with a level of ontology, these definitions are sometimes consistent and sometimes unrelated. An important issue in this area is the discussion of calling people to think and reason in the Qur'an and to reflect on the theory of the creation of the universe. The definition of beauty and its conceptual dimensions is one of the philosophical issues in the branch of the glyph of art, which deals with philosophical issues and various interpretations and examples. Grace is a term that has found various meanings in different times, places and cultures. To identify the types of the best reference used to identify and vocabulary related to beauty, we can refer to the Holy Quran, which contains many verses that show that it has provided many interpretations about beauty and commentators have interpreted based on it into categories. The purpose of this study is to study the meaning of beauty in the Qur'an and its types based on this holy book in the great human culture among Muslims based on the Qur'an, which is the largest written pamphlet and the best hadith. The Qur'an is new after centuries in terms of structure and rhythm of words and interpretations of beauty, and offers eye-catching and new interpretations at all times. Since human creation has two spiritual and physical aspects, so the Qur'an, relying on these two aspects of human beings and considering the sensory powers, reminds us of beautiful manifestations and reminds us to know and understand the world, the affairs of creation and the issue of creation. More than 300 verses in the Holy Quran refer to beauty and the reasonable value of expressing levels and types and types of grace. Also, some desirable human traits at the level and human relationships that strengthen society are considered part of grace in Islam, such as beautiful patience or beautiful forgiveness, which is considered a kind of beauty. For the Muslims of the beginning of Islam, these cases have various aspects, such as education. The vocabulary that has been formed in Islam based on beauty is wide and has been repeated such things as Hosn, Jamal, Behjat, Zakhraf and Qadr and Sade. These cases have been mentioned many times with allegories and verses in the Qur'an and have had a reminder and educational aspect. In this regard, the author tries to answer these questions in the research: examples of grace in Islamic culture based on this question, what is the view of the

1-DOI: 10.22051/JJH.2021.36667.1666

2- Assistant Professor, Department of Painting, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran, Corresponding Author.

Email: [d.dehkordi@alzahra.ac.ir](mailto:d.dehkordi@alzahra.ac.ir)

2- Master Student of Painting, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: [elmonia@gmail.com](mailto:elmonia@gmail.com)

Holy Quran? What are the types of beauty in the Quran? What is the status and examples of each of these types? Vocabulary related to beauty in the Qur'an is mostly focused on which aspects of grace? The method of this research is fundamental and descriptive-analytical. The nature of the information obtained and the analysis is qualitative and the information is collected in a library method. In this research, an attempt is made to use the terminology from the perspective of the Holy Quran. The results of this study show that many concepts along with their Qur'anic examples are collected by looking at the relevant interpretations and narrations in the issue of creation and it is clear that the concept of beauty in the Qur'an is tangible and reasonable - or in the words of some authors, intangible beauty. There is, but the issue of rational beauty is much more addressed and has a wider range of meanings. Quranic words and interpretations also cover the whole universe and are not limited to the material world and the world of sensations. These words and expressions about beauty are very diverse, such as: grace, adornment, ornament and grace, among which grace with 189 repetitions in the divine word, is the most famous and most widely used aesthetic term in the Holy Qur'an. Hosn is mostly used in spiritual and semantic matters or so-called reasonable grace. Reasonable and tangible goodness in the field of philosophy can be followed before the Holy Quran in the opinions of Greek scholars, especially Plotinus. From contemplating, searching and deepening the verses of the Holy Quran, the impression is obtained for the audience of the text that this book has a comprehensive, complete and strong expression in which no weakness is seen and most of its verses are firm and strong and its concepts and instructions it is visible and has clarity and obviousness. However, despite the simple appearance of the verses of the Holy Quran, the depth of its contents is endless and during the last 14 centuries, with the addition of human knowledge and experience, new interpretations and codes and new meanings of Quranic verses different from previous periods have been understood. Therefore, according to the general cases stated, the semantic and close relationship of the verses of the Qur'an with each other and the absence of distortion, contradiction and difference from the Holy Qur'an as a miracle and a complete set, in examining and understanding the concepts in each subject, the whole subject should be And the types of examples presented in that chapter in the Qur'an together and according to the conditions of revelation and the dignity of the verses and most importantly the lexical meaning of each word and related words and how and number and .Its use together to be seen in part From the fact that in that chapter - and not all the material that can be extracted - it was found that the method of interpreting the Qur'an to the Qur'an is based on this approach.

In the present study, which sought to express the definition and view of the Qur'an on the category of beauty, according to the above approach, a comprehensive search was made in the verses of the Qur'an and knowledge of words related to the concept of beauty and it was found that in this heavenly book, words and concepts of beauty It has been proposed in a wide field that covers material matters and spiritual phenomena and has different layers and levels with multifaceted goals.

There are 18 words related to the category of Grace in the Qur'an, some of which are mentioned in this article. Each of these words has a frequent and special range that has commonalities and semantic differences with each other, for example, the word Hosn and its roots, which has the highest frequency among related words, is repeated 189 times in the Qur'an. In this article, many concepts along with their Quranic examples are given by looking at the relevant interpretations and narrations. The three words of goodness, grace and adornment with the meaning of grace have the most number of uses in the text of the Qur'an. The Holy Quran refers to the degree of beauty in appearance and inwardness. Reasonable beauties are the virtues of the universe and somehow return to the tangible world. According to the Qur'an, there is a relationship and correlation between tangible and sensible grace. In fact, the Qur'an considers material beauties as a bridge to understand and achieve rational beauty and truth. Therefore, the view of the Qur'an, unlike most of the ideas of philosophers and especially the schools of the modern age, whose main intellectual basis is based on individualism and humanism, does not consider a contradiction between tangible and reasonable grace and recognizes both concepts and puts them together.

Because the perception of this beauty is beyond the senses and depends on human intellect, it has been given the names of reasonable or intangible grace. The Qur'an refers to the degree of beauty in appearance and inwardness. Reasonable beauties are the virtues of the universe and somehow return to the tangible world. According to the Qur'an, there is a relationship and correlation between tangible and sensible beauty. In fact, the Qur'an considers material beauties as a bridge to understand and achieve rational beauty and the truth of God's essence. Therefore, the view of the Qur'an, contrary to most of the beliefs of philosophers, especially modern schools, whose main intellectual basis is based on individualism and humanism, does not distinguish between tangible and reasonable beauty and recognizes both concepts and uses them together.

**Keywords:** Quranic concepts, aesthetics, levels of grace, Hosn, Jamal.